



دین و سیاست در مذهب شیعه

دکتر علی نقی منزوی

سایت منزوی؛ سایت بهشتی پور؛ و سایت ذاکر

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر

- ۱..... دین و سیاست در مذهب شیعه.....
- ۱..... عصمت؛ یا فره ایزدی امام.....
- ۱..... معصومان چهارده گانه.....
- ۳..... ولایت فقیه.....
- ۳..... الف. فقیه کیست؟.....
- ۴..... ب. اجتهاد و تقلید چیست؟.....
- ۴..... اهل حلّ و عقد.....
- ۴..... نخبگان جامعه.....
- ۴..... (۳) اهل حلّ و عقد کیانند؟.....
- ۵..... ۴. فرق ولی فقیه با اهل حل و عقد؟.....
- ۵..... ۵. احکام مذهبی چگونه اجرا می گردد؟.....
- ۶..... ۶. مرز اختیارات ولی فقیه و اهل حل و عقد.....
- ۸..... ۷. جمع میان دو مقام «ولی فقیه» و «اهل حل و عقد» (فقیه حاکم).....
- ۸..... ۸. احکام شرعی چهارگانه.....
- ۱۰..... الف) نخست جهاد.....
- ۱۱..... ب) دوم، قضای شرعی و دادگستری مدنی.....
- ۱۲..... ج) سوم، اجرای حدود شرعی و مجازات بدنی.....
- ۱۳..... د) چهارم عبادت‌های سیاسی.....
- ۱۴..... ۹. چگونه نماز جمعه به ایران بازگشت؟.....
- ۱۴..... الف. سقوط قسطنطنیه ۸۵۷ ق / ۱۴۵۳ م.....
- ۱۴..... ب. رقابت برای اجرای نماز سیاسی.....



کتابنامه ۱۷

نمایه کتاب و مقاله ۱۷

دین و سیاست در مذهب شیعه

۱

دین و سیاست در مذهب شیعه

دکتر علی نقی منزوی^۱

عصمت؛ یا فره ایزدی امام

معصومان چهارده گانه

(۱) عصمت امام، عدالت فقیه، تقوای اهل حل و عقد

الف) هر گاه یکی از معصومان چهارده گانه در رأس مدینه فاضله باشد و امور کشور را اداره کند، بدون شک مذهب و سیاست یک جا در اختیار او خواهد بود. معصوم حق دارد منحصرأً مسؤل اجرای «حق الله» و «حق الناس» هر دو باشد. روند کارها در زمان ختمی مرتبت (ص) و حضرت امیر (ع) چنین بوده است.

^۱Z: سپاس از آقای مهندس فریدون لواسانی برای بازنویسی سیاهه این مقاله ارزشمند. لواسانی در یادداشتی چند سطری در گوشه سیاهه دست‌نویس مقاله نوشته است که اسکن آن را در دسترس من گذاشته است: توضیح فریدون لواسانی: این مقاله ارزشمند را در سال ۱۳۸۰ خ در کتابخانه دژ که هنوز سروسامانی نیافته بود، به صورت دست‌نویس در میان انبوهی دیگر از کتاب‌ها و مجلات یافته و به خاطر حفظ آن از مفقود شدن؛ یا معدوم شدن، بازنویسی نمودم.

آقای مهندس لواسانی افزون برآن، آن را تایپ کرده در دسترس خاندان منزوی و سایت ایشان گذاشتند. من تایپ ایشان را با سیاهه رونویسی شده برابر خوانی نمودم.

دکتر علی نقی منزوی

وجوب اطاعت مطلق از اولی الامر در آیه مبارک: أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (قرآن، سوره ۴، آیه ۵۸)^۱ بنابر تفسیر همه فقیهان و مفسران شیعه از شیخ طوسی^۲ تا به امروز مخصوص معصومان است. نک: طوسی، کتاب التبیان، چ. نجف ۱۹۵۸ م. ج ۳، برگه ۲۳۶، هیچ یک از فقیهان و مفسران نیز برخلاف او نرفته اند.^۳

ب) در دوران غیبت کبری امام از سال ۳۲۹ق به بعد که غیر معصوم در رأس امور کشور است، چنان که خواهیم دید، مراجع مذهبی شیعه «حق الله»، یعنی امور مذهبی که نیاز به تمرکز نداشته عملاً در اختیار تعدادی افراد نامحدود، به نام «ولی فقیه»

^۱ قرآن کریم، سوره شماره ۴، نساء، آیه ۵۹: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۵۹) / ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید؛ پس هر گاه در امری اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به کتاب خدا و سنت پیامبر او عرضه بدارید، این بهتر و نیک فرجام تر است.

^۲ شیخ الطائفه طوسی ابوجعفر محمد فرزند حسن (۳۸۵ - ۴۶۰ ق / ۹۹۵ - ۱۰۶۸ م)، نویسنده ده ها کتاب و رساله است که تنها دو تای آن یکی: تَهْدِيْبُ الْأَحْكَامِ، شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد فرزند حسن طوسی (د: ۴۶۰ ق / ۱۰۶۸ م)، تصحیح احمد شیرازی و باقر قوچانی، تهران، ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ خ؛ تصحیح حسن موسوی خراسان، نجف، ۱۳۷۸ - ۱۳۸۲ ق؛ تصحیح محمدجعفر شمس الدین، بیروت؛ تصحیح علی اکبر غفاری، اسلامیه، تهران؛ و دیگری: الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد فرزند حسن طوسی (د: ۴۶۰ ق / ۱۰۶۸ م)، تحقیق و تصحیح حسن موسوی خراسان، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ ق، جزو چهار اصل شیعه به شمار می آید. جشن هزاره او در سال ۱۳۴۸ خ برگزار شد و یادنامه او در سه جلد به چاپ رسید و رساله آقابزرگ درباره شیخ طوسی به نام حیاة الشیخ الطوسی که در مقدمه التبیان وی چاپ شده بود، دوباره برای هزاره شیخ طوسی، جداگانه به چاپ رسید.

^۳ التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ الطائفه طوسی ابوجعفر محمد فرزند حسن (۳۸۵ - ۴۶۰ ق / ۹۹۵ - ۱۰۶۸ م)، به کوشش علی آقا شیرازی و عبدالرسول روغنی زاده اصفهانی، چاپ سنگی، ۱۳۶۵ ق؛ دیگر: چ. نجف ۱۹۵۸ م؛ تصحیح احمد شوقی و احمد حبیب قصیر، مقدمه آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، دار احیاء التراث العربی، قم، ۱۴۰۹ ق.

نهاده اند. «حق الناس» را که مستلزم یکسان بودن و نیازمند سانترالیزم است از اختیارات «اهل حلّ و عقد» شمرده اند و تابع آیه مبارک «و شاورهم فی الأمر» (قرآن ۳: ۱۵۹)^۱ و «و أمرهم شورى» (قرآن ۴۲: ۳۸)^۲ می دانند.

اینک ولی فقیه کیست؟

و اهل حل و عقد کیانند؟

ولایت فقیه

(۲) ولایت فقیه

الف. فقیه کیست؟

فقیه کسی است که در مسایل مذهبی مجتهد باشد. برای رسیدن به درجه اجتهاد، حدّاقل تحصیلات در حدود چهار سال مقدمات (ابتدائی) چهار سال تحصیل سطح (متوسطه) و چهار سال خارج (دانشگاه) لازم است که به تأیید و گواهی چند مجتهد رسیده باشد. مداخله ولی فقیه در مسایل مذهبی مستقل است و جنبه رهبری مقلدان خود را دارد، ولی در مسایل حق الناس و اجتماعیات مانند بقیه افراد جامعه است، مثلاً شهادت او برابر شهادت یک شاهد است.

^۱ قرآن کریم، سوره شماره ۳، آل عمران، آیه ۱۵۹: فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَاقْتَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (۱۵۹) / پس با رحمت الهی با آنان نرمخو و پر مهر شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند پس از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن و هر گاه تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد.

^۲ قرآن کریم، سوره شماره ۴۲، شوری، آیه ۳۸: وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳۸) / و کسانی که ندای پروردگارشان را پاسخ داده و نماز برپا کرده اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آن چه روزیشان داده ایم، انفاق می کنند.

ب. اجتهاد و تقلید چیست؟

بر هرکسی که در مسایل مذهبی به درجهٔ اجتهاد نرسیده باشد، باید در چنین مسایلی از یک مجتهد تقلید کند، ولی برای خود مجتهد، تقلید حرام است^۱، یعنی هیچ مجتهدی حق ندارد در مسایل حق الله و مذهبی از دیگری پیروی کند، بلکه باید به اجتهاد خود عمل کند. اما در مسایل حق الناس، حقوق مدنی و سیاست بر هر مجتهد عقلا واجب است که مانند دیگران از مصوبات اهل حل و عقد پیروی کند تا نظم عمومی مختل نگردد.

اهل حلّ و عقد**نخبگان جامعه****۳) اهل حلّ و عقد کیانند؟**

پیشینیان گروه حلّ و عقد را در هر جامعه، به طور کلی دربرگیرندهٔ نخبگان و دانشمندان می‌دانستند و به گونه‌ای فراگیر همهٔ فرمانروایان، حاکمان و سردمداران و گاهی همهٔ ریش‌سپیدان و بزرگان و بدوزان، هم‌چون کدخدایان، ریسان عشایر و قبایل دهقانان بزرگ، امیران، شهرداران، وزیران و شهریاران گفته می‌شود که دست اندر کار ادارهٔ امور ایل، دیه، بخش، شهرستان و شهرهای بزرگ و یا کشور و سرزمین بودند.

از دیدگاه روحانیون مشروطه‌خواه، هم‌چون آخوند خراسانی ملا محمدکاظم هروی (۱۲۱۸ - ۱۲۹۰ خ / ۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ ق) و آیت الله میرزا محمدحسین نائینی (۱۲۷۶ - ۱۳۵۵ ق / ۱۲۳۸ - ۱۳۱۵ خ) نگارندهٔ کتاب ارزشمند تنبیه الأمة و تنزیه الملة، نمایندگان انتخابی مردم برای مجلس شورای ملی و اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد و همهٔ بخشداران، شهرداران، فرمانداران،

^۱ در آغاز همهٔ رساله‌های عملیهٔ همهٔ مراجع صاحب فتوی، این مسأله تصریح شده است.

وزیران، وکیلان و هر آن کسی که به گونه‌ای در اداره گوشه‌ای از هر سرزمین دستی دارد، جزو اهل حلّ و عقد به شمار خواهد آمد.^۱

۴. فرق ولی فقیه با اهل حل و عقد؟

الف. برای تقلید از هر مجتهد، عادل بودن او شرط است، یعنی مجتهدی قابل تقلید است که دارای ویژگی عدالت و داشتن صفت عادل بودن باشد و کارهای عدالت‌شکنی از او سر نزنند، ولی معصوم بودن شرط نیست.

ب. برای احراز مقام «اهل حلّ و عقد» خوش‌نامی و تقوای سیاسی بسنده است و نیازی به عدالت شرعی ندارد.

اطاعت از مصوبات قانونی اهل حلّ و عقد واجب عقلی و تعهد اجتماعی است که عدم آن موجب اخلال به نظم عمومی است و در نتیجه حرام شرعی خواهد بود^۲، ولی در مقابل آن، بر هر یک از افراد اهل حلّ و عقد که مجتهد نباشند، مانند همه مردم غیر مجتهد، واجب است که در مسایل «حق‌الله» از یک تن از «ولی فقیه»های بی‌شمار تقلید کند.

۵. احکام مذهبی چگونه اجرا می‌گردد؟

چنان که گذشت، پس از سال ۳۲۹ق که غیبت کبری امام معصوم است، عملاً احکام به دو دسته حق‌الله مذهبی و حق‌الناس مدنی سیاسی؛ و یا به گفته ابن‌ادریس (۵۴۳ - ۵۹۸ق) حق آدمی و حق‌الله تقسیم شده است^۳، مثلاً در دوره آل بویه (۳۳۴ - ۴۴۷ق) مردم در حق‌الله پیرو روحانیانی، چون شیخ صدوق (۳۰۵ - ۳۸۱ق)، شیخ مفید (۳۳۶ - ۴۱۳ق)، سید مرتضا (۳۳۵ - ۴۳۶ق)، شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ق) و ... بودند و در حق‌الناس تابع دولت آل بویه شیعی بودند که در عین حال با

^۱ نک: ← کتاب تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملة، میرزا حسین نائینی، شیخ‌الاسلام (۱۲۷۶ - ۱۳۵۵ق)، تصحیح محمود طالقانی، تهران ۱۳۳۴خ.

^۲ همان کتاب.

^۳ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (نگارش: ۵۸۸ق / ۱۱۹۲م)، ابن‌ادریس، محمد فرزند منصور فرزند احمد فرزند ادریس حلی عجللی (۵۴۳ - ۵۹۸ق)، چاپ سنگی، تهران، ۱۲۷۰ق، برگه ۱۹۷، س ۲۳؛ دیگر: ناشر: تصحیح مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، لجنة التحقیق مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق، ۶۵۹ برگه.

خلافت عباسی (علیه شیعیان تندرو خراسان و مصر) هم‌کاری داشتند. خود آن فقیهان بزرگ نیز در آن حکومت از سمت‌های رسمی قضایی و تدریس برخوردار بودند.

سید مرتضی در پاسخ به وزیر مغربی حسین ابن‌علی (۳۷۰ - ۴۱۸ق) که از مصر اسماعیلی به بغداد بویه‌ای پناهنده شده بود و به همکاری دوازده امامیان با غاصبان عباسی خلافت اعتراض داشت، رساله‌ای نگاشت^۱. این رساله در مجموعه رسایل مرتضی، رجایی، قم، ج: ۲ برگه ۹۷ - ۹۸، چاپ شده است^۲.

۶. مرز اختیارات ولی فقیه و اهل حل و عقد

اینک ببینیم مرز «حق الله» که در اختیار ولی فقیه است با مرز «حق الناس» که در اختیار اهل حل و عقد است چگونه معین شده است.

۱ الذریعة، ج ۲۰، ۳۹۸، شماره ۳۶۵۶: مسألة في الولاية من قبل السلطان الجائر و الظالم / مسألة ای درباره موضوع ولایت و این که آیا شاه ستمگر و ستم‌پیشه ولایت بر مردم دارد؟ نجارشی این رساله را در کتاب خودشناسانده است و آن را از آن سید شریف مرتضی علم‌الهدی (د: ۴۳۶ق) دانسته است. سید مرتضی این رساله را به دنبال گفتگو در باره ولایت در انجمنی با شرکت وزیر ابوالقاسم حسین فرزند علی مغربی در ماه جمادی یکم سال ۴۱۵ نوشته است.

۲ رسائل الشریف المرتضی، سید مرتضی علم‌الهدی، تحقیق سید مهدی رجایی، دارالقران الکریم، قم، ۱۴۰۵ق؛

دیگر: رسائل الشریف المرتضی، ابوالقاسم علی بن حسین موسوی بغدادی، معروف به شریف مرتضی علم‌الهدی (۳۵۵ - ۴۳۶ق) در علم اصول است. این کتاب توسط علامه شیخ حامد واعظی و سید احمد اشکوری حسینی در سال ۱۳۸۵ق شروع به جمع‌آوری شد و پس از مدتی وقفه به سبب حمایت‌های بی‌دریغ حضرت آیه الله گلپایگانی مجدداً ادامه یافته تا این که در ابتدا سه مجلد از آن چاپ شده است. در سال ۱۴۰۵ق قسمت دیگری از این کتاب‌ها در کتابخانه علامه سید محمد موسوی جزائری وجود داشته است و بعدها به صورت مجلد چهارم گردآوری و به آن ضمیمه شده است. سه جلد اول در سال ۱۴۰۵ق و جلد چهارم در جمادی دوم ۱۴۱۰ در چاپخانه سیدالشهداء و خیام چاپ شده‌اند.

برخی از مسایل به اتفاق نظر همه روحانیان قدیم و امروز در شمار «حق الله» است، مانند اعتقادات و عبادات مذهبی، برخی دیگر از مسایل نیز به اتفاق همگان از «حق الناس» به شمار می‌رود، مانند معاملات که طبق اصل «المؤمنون عند شروطهم» پیاده می‌شود.^۱

^۱ و منها: قوله صلى الله عليه و آله و سلم: «المؤمنون عند شروطهم»، و قد استدللّ به على اللزوم غير واحد منهم المحقق الأردبيلي قدس سره بناءً على أنّ الشرط مطلق الإلزام و الالتزام و لو ابتداءً من غير ربطٍ بعقدٍ آخر، فإنّ العقد على هذا شرطٌ، فيجب الوقوف عنده و يحرم التعدي عنه، فيدلّ على اللزوم بالتقريب المتقدم في (أَوْفُوا بِالْعُقُودِ). بحث درباره ادله اصالت اللزوم است که مضمون فارسی آن از درس فقه آیت الله جوادی آملی چنین است: بعد از نقل چهار دلیل قرآنی یعنی آیه (وَقُوفُوا بِالْعُقُودِ) و آیه (أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ) و آیه (تِجَارَةٌ عَنِ تَرَاضٍ) که در سوره «نساء» بود (وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمُ) که در سوره «مبارکه» «بقره» بود به چهار دلیل روایی هم تمسک شده یکی «لا یحل مال امرء مسلم» بود یکی «الناس مسلطون» سوم هم «المؤمنون عند شروطهم» چهارم هم بحث «البیعان بالخیار» و نصوص مانند آن است که به خواست خدا خواهد آمد. مرحوم آقا سید محمد کاظم (رضوان الله علیه) همان طور که ملاحظه فرمودید در بحث روز چهارشنبه گذشت می‌فرماید این «المؤمنون عند شروطهم» «من اقوى الادلة على لزوم العقد» است؛ زیرا شرط هر دو مقدمه را ایشان ثابت می‌داند. مقدمه اولی این است که شرط اعم از آن است که ضمنی باشد یا ابتدایی. مقدمه دوم آن است که این جمله خبریه مفید انشا است و مفید لزوم و وجوب تبیین این دو مقدمه به این بود که آن چه را که مرحوم شیخ فرمودند شرط تعهد ضمنی است از قاموس نقل کردند و از دعای توبه و ندبه نقل کردند همه اینها مورد نقد قرار گرفت که اولاً لغوی خبیر در مورد استعمال است نه در تشخیص وضع و ثانیاً قول لغوی مفید حصر نیست.

المؤمنون عند شروطهم یعنی مومن باید به شرطش عمل بکند. حالا شرطش هم معنی عام است شرط منطقی نیست شرط اصطلاحی نیست یعنی مومن باید به کلیه معاهداتش عمل بکند. گاهی ایفاء است گاهی ضمان است گاهی شرط است هر معاهده‌ای المومن عن شروطهم یجب تکلیفاً و وضعاً اینکه مومن به شرایطش عمل بکند به معاهداتش عمل بکند و این یک معنی واضحی است بدون اینکه احتیاج به ان قلت داشتند باشد.

برخی از حق‌ها نیز یافت می‌شوند که مورد اختلاف میان دو سو است که گاهی از اختیارات ولی فقیه و گاهی از اختیارات «اهل حلّ و عقد» به شمار آمده است، مثلاً علامه شیخ مرتضای انصاری شوشتری (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ق) حتا در مورد سرپرستی محجوران نیز برای «ولی فقیه» امتیازی بر دیگران قایل نیست^۱.

۷. جمع میان دو مقام «ولی فقیه» و «اهل حلّ و عقد» (فقیه حاکم)

الف. اختلاف ریشه‌ای میان مسئولیت‌های این دو مقام که نخستین با روابط میان خدا و انسان سر و کار دارد و دومین به روابط میان انسان‌ها با یکدیگر رسیدگی می‌کند، جمع آن‌ها را در یک تن غیر معصوم اگر ممتنع نسازد بسیار دشوار می‌نماید. فرض نیز که چنین تعهدی غیر طبیعی برای کسی که معصوم نباشد، پیش آید که در آن مسئولیت هر دو رابطه را یک جا بر دوش کشد، باز هم سبب آمیختگی آن دو مسئولیت نخواهد بود [که همانند آب و روغن غیر قابل آمیزش هستند و تنها در زمانی معین و با حرکت ابزار می‌توان آن‌ها را آمیخته نشان داد و به مجرد باز ماندن از حرکت، آب از روغن جدا خواهد شد].

ب. آن که ولی فقیه فرضاً به قدرت برسد هیچ‌گاه حق نخواهد داشت که در اختیارات و مسئولیت حق الله «ولی فقیه» دیگر مداخله نماید که او را به دادن فتوایی مجبور؛ یا به امتناع از فتوایی وادارد؛ زیرا که تقلید بر مجتهد حرام است.

ج. هیچ‌گاه فقیه حاکم؛ و یا ولی فقیه به حکومت رسیده نمی‌تواند از اختیارات مخصوص به معصوم استفاده کند؛ و یا یکی از «احکام اربعه» که مخصوص به زمان حضور معصوم من آل محمد است، به مورد اجرا گذارد.

۸. احکام شرعی چهارگانه

چهار حکم که اجرای آن‌ها مشروط به حضور معصوم، یعنی یکی از چهارده معصوم است.

شیخ الطائفة ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (د: ۴۶۰ق) صاحب ده‌ها تألیف بزرگ که دوتای آن‌ها «تهذیب و استبصار» در شمار چهار اصل شیعه است درباره چهار بخش از چهل بخش فقه که دربرگیرنده: ۱. جهاد؛ ۲. قضای شرعی؛ ۳. حدود و

^۱ باب مکاسب محرمة از کتاب مکاسب، شیخ مرتضی انصاری شوشتری (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ق)، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۰۰ق؛ دیگر: تصحیح محمد حسینی لواسانی، تبریز ۱۳۷۴ق؛ کتاب المكاسب، مرتضی الأنصاری؛ تحقیق و تعلیق محمد کلانتر، جامعة النجف الدینیة، نجف، ۱۳۹۳ق، ۹ جلد وزیر.

مجازات‌های بدنی؛ ۴. عبادت‌های سیاسی (جمعه و عیدین) است، تصریح می‌فرمایند که اجرای چهار حکم نام برده شده، متوقف بر حضور امام معصوم من آل محمد است.

هم‌چنین ابن‌ادریس در سرائر برگه ۶۳، ۷۰، ۱۵۱، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۹۱، ۱۹۷ همین باور را به گونه فتوا داده است. ابن‌اشعث، ابوعلی، محمد بن محمد بن اشعث کوفی مؤلف اشعثیات که آن را در تاریخ ۳۱۴ق نوشته است، تنها سه حکم را یاد کرده است و درباره حکم چهارم که جهاد است، نامی نبرده و سخنی نگفته است^۱، پس از ابن‌اشعث و طوسی و ابن‌ادریس

^۱ مجموعه قرب الاسناد، چاپ سنگی تهران ۱۲۷۱ق. برگه ۲۲۱). اشعثیات، جعفریات، ابن‌اشعث، ابوعلی، محمد بن محمد بن اشعث کوفی (ز: ۳۱۴ق)، همراه با قرب الاسناد، چ. تهران، ۱۳۷۰ق/۱۹۵۱م.

قُربُ الإسناد، عبدالله بن جعفر حمیری قمی (ز: ۳۰۴ق) شاگرد امام یازدهم، کتاب فروشی نینوا در تهران، سه جلد؛ دیگر: مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث، قم، ۱۳۷۱خ / ۱۴۱۳ق، ۵۴۳ برگه.

هم‌چنین نک: الذریعة، ج ۲، ۱۰۸ - ۱۱۱، شماره ۴۳۶: کتاب الأشعثیات که الجعفریات نیز گفته شده است دارای هزار حدیث فقهی در بخش طهارت، نماز، زکات، روزه، حج، طلاق، نکاح، حدود، دعاء سنن و آداب است و از کتاب‌های مرجع و اصل شیعه، معروف به چهارصد اصل شیعه است. آموزگارم شیخ نوری در کتاب خاتمة المستدرک درباره اصل بودن یا نبودن آن گفتگو کرده است و از ابن‌طاوس سندی بر اصل بودن آن می‌آورد. نجاشی و طوسی در فهرست خود از آن یاد کرده‌اند. روایات آن از راه اسماعیل فرزند امام کاظم (ع) از پدرشان و از امام جعفر صادق (ع) و پدرانشان روایت می‌کند. از این رو، بدان جعفریات گویند. زنجیره روایت راویان از ابوعلی ابن‌اشعث محمد نویسنده اشعثیات با روایت از ابوالحسن موسی فرزند اسماعیل فرزند امام کاظم (ع) آغاز می‌شود و به پدر و نیایش می‌انجامد. او زنجیره دیگر روایت را باز می‌گوید و آن: «أخبرنا عبدالله أخبرنا محمد حدثني موسى إلیخ» منظور از عبدالله، أبو محمد عبد الله بن محمد بن عبد الله بن عثمان معروف به ابن‌السقا (د: ۳۷۱ق) بوده که به ابن‌اشعث و ابوالحسن موسی و پدرش اسماعیل و پدرش امام کاظم (ع) و زنجیره امامان دیگر تا پیامبر (ص) می‌رسد. تاریخ روایت ابن‌السقا از ابن‌اشعث نیز سال ۳۱۴ق است که در آن یاد شده است. محدث نوری به جز ابن‌السقا از شیخ تلعبری نام می‌برد که از ابن‌اشعث با تاریخ اجازه ۳۱۳ق روایت می‌کند. گویا این نسخه نوری در دسترس مجلسی و حرعاملی نبوده است که ابن‌اشعث را با دیدی نه چندان مثبت نگاه می‌کنند.

هم‌چنین نک: الذریعة، ج ۵، ۱۱۱، شماره ۴۳۶: کتاب الجعفریات نوشته قاضی ابوالمحاسن رویانی، عبدالواحد فرزند اسماعیل فرزند احمد فرزند محمد (۴۱۵ - ۵۰۲ق) از شیعیانی است که با پوشش شافعی سخن می‌گفت. فداییان تندرو اسماعیلی الموت در آشوب رویان کشتند. صاحب

همه فقها این نظر را پذیرفته‌اند، به جز چند تن انگشت‌شمار چون شیخ احساسی، احمد فرزند زین‌الدین (۱۱۶۶ - ۱۲۴۱ق / ۱۱۳۲ - ۱۲۰۴خ) بنیان‌گذار گروه شیخیه و آیت‌الله شفتی محمدباقر بیدآبادی رشتی ساکن اصفهان (۱۱۷۵ - ۱۲۶۰ق / ۱۱۴۰ - ۱۲۲۳خ) است.

هم‌چنین درباره حد، هیچ کسی مخالف توقف آن تا حضور امام معصوم نبوده است.

اینک چهار حکم که اجرای آن‌ها موقوف به حضور امام معصوم از آل محمد (یکی از چهارده معصوم) است:

الف) نخست جهاد

جهاد به معنی جنگ برای صادرکردن کلمه طیبه لا اله الا الله به کشورهای دیگر است که اقدام آن با زور نظامی مسلمانان است و خدف و منظور نهایی مسلمان کردن نامسلمانان ساکن در سرزمین‌های دیگر است.

جهاد به تصریح شیخ طوسی و تمام علمای بعد از وی مشروط به حضور پیشوای معصوم است و همگان بی‌استثنا، جنگ غیر دفاعی را حرام می‌دانند و به حرمت و جایز نبودن جهاد فتوا داده‌اند.

ابن ادریس کسی را که در دوران غیبت زیر پرچم غیر معصوم بجنگد، گناه کار می‌شمرد و بیم کیفر می‌دهد^۱.

از این رو، می‌توان گفت اجماع همه علمای شیعی، وجوب جهاد را تنها مشروط به حضور امام زمان کردند، ولی در زمان کنونی و در نبود امام معصوم، جز به صورت دفاع، حمل سلاح، نه واجب؛ بلکه هرگاه موجب تخویف دیگران شود، جایز هم

الریاض او را از شیعیان و آموزگار فضل‌الله راوندی که آموزگار ابن شهر آشوب (ز: ۵۴۸ق) به شمار آورده است. راوندی در کتابش النوادر بیشتر روایاتی را که از جعفریات معروف به اشعثیات بهره برده از آموزگار خود قاضی روبانی شهید روایت می‌کند.

آقابزرگ کتاب الجعفریات دیگری را معرفی می‌کند که از آن اسماعیل فرزند امام کاظم (ع) است و ابن اشعث این هزار حدیث را با همین زنجیره روایتی و با یک سند از ابوالحسن موسی از پدرش اسماعیل از پدرش امام کاظم (ع) از امام صادق (ع) بازگو می‌نماید. جعفریات دیگر از ابن طاوس و دیگران را محدث نوری در مستدرک الوسائل یاد کرده است.

هم‌چنین نک: الذریعة، ج ۱، ۲۵۸، شماره ۱۵۷۶: کتاب روایة الأبناء عن الآباء من آل رسول الله (ص) نوشته ابن اشعث، ابوعلی، محمد بن محمد بن اشعث کوفی (ز: ۳۱۴ق) است.

^۱ سرائر، چ. ۱۲۷۰ق. برگه ۱۵۱.

بوده؛ بلکه حرام و گناهی نابخشودنی خواهد بود؛ بنابراین، تقسیم جهان به دو؛ یا سه منطقه «دار الاسلام»، «دار الحرب»، «دار الصلح» از نظر شیعه بحثی نظری می‌بوده، نه عملی و مربوط به سه قرن اول اسلام است نه امروز و اعلام جهادی که ممکن بتواند یک مجتهد فتوا دهید، تنها درباره جهاد دفاعی درست است، مانند کتاب‌هایی که در زمان فتح‌علی‌شاه همگی تنها برای جنگ دفاعی قفقاز تألیف و در ذریعه یازگو شده‌اند، نه وجه جهان دارد و نه به صورتی است که بتواند برای تحمیل دین بر دیگران، دستور یورش بدهند.^۱

ب) دوم، قضای شرعی و دادگستری مدنی

حکم ابلاغ به قاضی شرع از سوی امام معصوم؛ و یا نایب خاص او؛ البته نه نایب عام، نخستین شرط قاضی شرع شدن هر کسی است که می‌خواهد این سمت را به دست گیرد.^۲

بنابراین، همه قضات در دوران غیبت کبرای امام زمان (ع)، قاضی عرفی؛ یا مدنی؛ یا همان تشکیلات دادگستری کنونی ما هستند و نه قاضی شرعی که به گفته ابن‌ادریس: القضاء حینئذ مدنی^۳.

همه احکام صادره از دادگاه‌ها در دوران غیبت امام، دارای حکم عرفی هستند و نه حکم شرعی، ولی چون بیشتر این احکام به دست و قلم روحانیانی که به خدمت دولت‌ها درآمده بودند، صادر شده است و اجرای این احکام عرفی نیز از طرف مقامات روحانی و فقیهان غیر دولتی نیز به منظور حفظ نظم و جلوگیری از ایجاد اخلال در نظم عمومی، واجب‌الاجرا اعلام شده بود. هم‌چنین از سوی دیگر کاربرد واژه قاضی شرع از یک سو برای مردم و از سوی دیگر برای همین قضات و دولتی که ایشان را منصوب کرده، خوش‌آیندتر می‌بود که پسوند شرع را برای قاضی گذاشت تا بیشتر مورد تأیید و پسند مردم عوام شود و گر نه همگان می‌دانستند که شرط امضای امام معصوم برای قضاوت شرعی لازم است و هیچ کس در آن شکی ندارد و در ضمن بازهم همگان بر این باور بودند که این قاضیان منصوب امام زمان نیستند.

^۱ الذریعة، ج ۵، ۲۹۶ - ۲۹۸.

^۲ سرائر، ج ۱۲۷۰. ق. برگه ۱۹۱.

^۳ همان جا، برگه ۲۰۳.

ج) سوم، اجرای حدود شرعی و مجازات بدنی

در آغاز هر باب «الحدود» کتاب‌های فقهی، از ابن‌اشعث، محمد (ز: ۳۱۴خ) و شیخ طوسی (د: ۴۶۰ق) و ابن‌ادریس، محمد فرزند منصور (۵۴۳ - ۵۹۸ق) تا امروز تصریح شده است که اجرا کردن حدّ متوقف بر حکم قاضی شرعی است که از سوی امام معصوم برگمارده شده باشد.

قاضی عرفی حق دارد، تنها احکام عرفی مدنی را اجرا کند و حق اجرای هیچ گونه حدّ شرعی را ندارد.

«حدود» که گونه‌ای کیفر بدنی است و «دیت» که کیفر مالی است به همراه «قصاص» و «تعزیر» که گونه‌های دیگر کیفر بدنی مذهبی را تشکیل می‌دهند که در بخش حقوق جزای کتاب‌های فقهی یاد شده‌اند. خاورشناسان غربی، آن را از بقایای رسوم عربی جاهلیت دانسته‌اند و آن را حدّ وسطی در میان «خشونت» قوانین یهودی و «نرمش» قوانین مسیحی قلمداد کرده‌اند، در صورتی که وضع جغرافیایی حجاز در میان فلسطین (مرکز یهودیت) و یمن (مرکز فرهنگ هندوایرانی) و شکل گرفتن حقوق اسلام در بغداد با وسایل ایرانی بوده که تنها رنگ روغن یهودی بدان می‌زده‌اند.

شاید بتوان برخی از انواع «دیت»‌های جنسی، مانند گاو و شتر را که در میان سنیان رایج بوده، از بقایای احکام جاهلیت عرب شمرد؛ لیکن دیت‌های نقدی که با «دینار» وجه رایج در غرب ایران و «درم» وجه رایج در شرق ایران در قانون دیات معروف به «دیات ناصح بن ظریف» آمده و برخی واژه‌های فارسی را در برمی‌دارد، به هیچ وجه نمی‌تواند از جاهلیت عرب مانده باشد؛ بلکه هم‌چنان که در مقاله «قانون آبگار» منتشر در مجله کاهه، شماره ۴۴ آمده است که این قانون در خاندان آبگار، شاهان محلی کردستان تدوین و رایج بوده و در سده اول اسلام به عربی ترجمه شده و پس از عرض بر امام شیعی و تصویب ایشان به صورت قانون امضایی وارد مذهب شیعه شده و سپس سنیان از ایشان واگرفته‌اند.^۱

شیعه حدود و قصاص را تنها به دست قاضی شرعی که نماینده امام حاضر باشد، مشروع می‌شمرد، پس از نیمه قرن سوم هجری به علت فقدان آن شرط، نه قضای شرعی سراغ می‌دارد و نه کیفر مذهبی، اما نقل برخی داستان‌ها که اجرای حدّ

^۱ مجله کاهه، مونیخ، شماره پنجم (چهل و چهارم ۴۴)، سال دهم، آذرماه ۱۳۵۱، شوال ۱۳۹۲، نوامبر ۱۹۷۲، برگه‌های ۴۴۰ - ۴۴۶، قانون‌نامه آبگار، کهن‌ترین قانون کیفر ایرانی، دکتر علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ).

شرعی را به دست فلان شخص مُلاً، آن هم به طور مخفیانه در زیر زمین، در فلان روزگار مخصوص انجام شده است، به هیچ وجه نمی‌تواند ملاک قانون مذهبی عمومی باشد. از این رو، پس از تشکیل حکومت مشروطه، نمایندگان روحانی شیعه در مجلس شورای ملی، در تصویب قوانین جزایی و مدنی شرکت جسته و مانند سوسیال دمکرات‌ها بدان رای داده‌اند، و اجرای «حق الناس» را به دست ریش‌سفیدان مردم؛ یا حکومت لائیک سپردند.

سید مرتضی، شریف علم‌الهدی (۲۵۵ - ۳۴۶ق) گوید: لاحدود فی غیبة الامام^۱.

در همه سده‌های گذشته از روزگار غیبت کبرای امام زمان (ع)، جز چند تن انگشت‌شمار که خود را «باب خاص»؛ «رکن رابع» می‌شمردند، هیچ فقیهی به خود اجازه نداد که حدود شرعی را بر کسی اجرا کند. در دوران‌هایی که حکومت به دست شیعیان آل بویه، غازان خان، سربداران، قره‌قویونلو و صفویان به بعد بود، نیز چنین بوده است.

د) چهارم عبادت‌های سیاسی

و جوب نمازهای جمعه و عیدین که اخیراً به نمازهای سیاسی^۲ شهرت یافته نیز مشروط به حضور امام معصوم؛ یا نایب خاص او است، در غیر این صورت و جوب نماز جمعه به اجماع شیعه منتفی است و دانشمندانی بزرگ مانند ابن‌ادریس آن را حرام می‌شمردند^۳؛ زیرا آن را مستلزم اعتراف به فانونی بودن حکومت شرعی می‌داند. از آغاز غیبت امام زمان (ع) به سال ۳۲۹ق تا عهد صفوی، شیعیان ایران حتا در دوران آل بویه و غازان خان و سربداران، نماز جمعه برپا نمی‌کردند.

^۱ رساله غیبة الحجة، رسائل المرتضی، ج. رجایی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ۲۹۸.

^۲ این اصطلاح «سیاسی» در فقه شیعه نیست و از مستحدثات و جدید است.

^۳ سرائر، ابن‌ادریس، برگه ۶۳.

۹. چگونه نماز جمعه به ایران بازگشت؟

الف. سقوط قسطنطنیه ۸۵۷ق / ۱۴۵۳م

سقوط قسطنطنیه در ۱۱ جمادی یکم ۸۵۷ / ۲۹ مه ۱۴۵۳ توسط ترکان مسلمان عثمانی به رهبری سلطان محمد دوم انجام گرفت، پس از آن بود که ترکان عثمانی به فکر احیای خلافت سنی بغداد افتادند که مغولان در ۶۵۶ق آن را نابود کرده بودند. شیعیان ایران که دو قرن از ستم خلافت رها شده بودند، هنگامی احساس خطر کردند که به سال ۹۴۱ق سپاه ترکان عثمانی بغداد را اشغال کرد. صفویان که تا این هنگام سنی مذهب بودند و در آذربایجان حکومت فتووالی سنی داشتند راهی برای ایستادگی در برابر سپاه ترک سنی خلافت جز هم‌رنگی با ایرانیان در رفض خلافت سنی ندیدند، پس صفویان مذهب رفض را پذیرفتند و با ساختن نسب‌نامه‌ای، خود را از اولاد موسی بن جعفر اعلام کردند و با این کار توانستند جلو سیل سپاه ترک را بگیرند.

از این تاریخ دو مذهب سنی و شیعی در خاورمیانه هم‌مرز شده مسلحانه رو در روی هم ایستادند.

ب. رقابت برای اجرای نماز سیاسی

در این جبهه‌بندی عثمانیان سنی و ایرانیان شیعی هر یک دیگری را به تهمت‌های ایدئولوژیک متهم می‌نمود، از جمله عثمانیان به ایرانیان «تارکِ صلاة» می‌گفتند به دلیل این که شیعه نماز جمعه را حرام می‌دانست. شاهان صفوی که خود سنی‌زاده بودند در برابر آن تهمت‌ها عقب نشسته به نصب امام جمعه پرداختند. پس از گذار دوران غیبت صغری (۲۶۰ - ۳۲۹ق) و با درگذشت آخرین تن از نُوّاب اربعه که عثمان فرزند سعید عمری (د: ۲۶۷ق)، محمد فرزند عثمان فرزند سعید عمری (د: ۳۰۵ق)، حسین فرزند روح نوبختی (د: ۳۲۶ق) و علی بن محمد

^۱ خاندان نوبختی، یکی از خاندان‌های ریشه‌دار ایرانی که تبارشان به دوران ساسانی کشیده می‌شود. نک: مقاله خاندان‌های بزرگ ایران ساسانی در سده‌های آغازین پیروزی عرب، علی‌نقی منزوی، ارج‌نامه ایرج، به خواستاری محمدتقی

سَمُرَى (د: ۳۲۹ق) بودند. هر چهار تن ایشان نایب خاص امام زمان (ع) به شمار می‌آمدند، یعنی که رابط میان شیعیان و امام بودند، شیعیان نماز جمعه و دو عید فطر و قربان را که جنبه سیاسی آن‌ها بر جنبه عبادتی اش فزونی داشت و از طرف خلیفه برگزار می‌شد، مانند سه حکم سیاسی دیگر که در بالا یاد شده، متوقف‌الاجرا اعلام نمودند، یعنی اجرای آن را موکول به ظهور امام زمان دانستند.

این حکم در همه کتاب‌های فقهی شیعه از شیخ طوسی (د: ۴۶۰ق / ۱۰۶۸م) به بعد تصریح شده است. در دوران‌هایی که مذهب شیعه رسمیت داشت، مانند دوران فرمانروایی آل بویه، ایلخانیان، سربداران و دوره اول صفوی، هیچ‌گاه این نماز رسماً برگزار نشد، و هیچ‌یک از آن دولت‌ها مقامی به نام «امام جمعه» در هیچ شهری منصوب نکرده‌اند، ولی پس از قیام شاه عباس به سال ۱۰۰۲ق / ۱۵۹۳م و کشتار مکتب‌های صوفی در قزوین و انتقال پایتخت از آن جا به اصفهان، شاید برای پیروزشدن در مسابقه سنت‌گرایی و سالوسی که در میان اصفهان و استانبول به طور ناخودآگاه پدید آمده بود، دولت صفوی کم‌کم به برقرارکردن «امام جمعه» در شهرها اقدام کرد، علما نیز رساله‌هایی در لزوم نماز جمعه نگاشتند، هر چند در آن رساله‌ها کوشش شده است که نماز جمعه را مستحب (نه واجب) اعلام کنند و از جنبه سیاسی آن کاسته بر جنبه عبادتی و شخصی بودن آن بیفزایند، بازهم این رساله‌ها حس ضد سیاسی برخی از روحانیون دیگر را به نگاشتن رساله‌هایی بر ضد ایشان تحریک کرد. در ذریعه ما بیش از صد رساله درباره نماز جمعه می‌بینیم که ۹۰٪ آن‌ها پس از قرن دهم تألیف شده، و از این عده مؤلفان ۵۰٪ آن را واجب ۳۰٪ مباح ۲۰٪ حرام و بدعت دانسته‌اند.^۱

دانش‌پژوه و عباس زریاب خویی، به کوشش محسن باقرزاده، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۷خ، ج ۲، برگه ۷۴۳-۷۵۴؛ و کتاب خاندان نوبختی، عباس اقبال آشتیانی، تهران، چاپ اقبال، تهران، ۱۳۱۱خ؛ چاپ دیگر: انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۵۷خ.

^۱ الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱۵، ۵۲-۸۲.

در آغاز سده ۱۲هـ که سُنّت‌گرایی دولت صفوی به اوج رسیده بود، نه تنها مجلسی دوم^۱ رساله‌ای در وجوب نماز جمعه نگاشت؛ بلکه ملاعبدالله افندی^۲ نیز به کشور عثمانی سفر کرده پس از گرفتن لقب «افندی» صدها نمونه، خطبه نماز جمعه را در سه مجلد گرد آورده، رساله‌ای نیز در وجوب این نماز نگاشت که در ذریعه معرفی شده‌اند^۳.
با این همه کوشش سُنّت‌گرایی شیعیان در دوره دوم صفوی باز هم وجوب نماز جمعه در میان شیعیان نماند، تاکنون نیز در هیچ یک از مراکز شیعه: نجف، قم، مشهد مراسم آن نماز برگزار نمی‌گردد. تنها در برخی کشورهای عربی که شیعیان نیازی بیش‌تر به سُنّی‌نمایی احساس می‌کنند، به تازگی این نماز، به راه افتاده، مثلاً در بیروت آن را از رادیو نیز پخش می‌کنند، ولی پیدا است که بیروت را نمی‌توان مرکز جهان تشیع به شمار آورد.

^۱ ملا محمدباقر فرزند محمدتقی مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ ق / ۱۶۲۸ - ۱۶۹۹ م) با آوازه علامه مجلسی و مجلسی دوم، محدث و فقیه بزرگ جامعه تشیع در ایران بود.

^۲ میرزا عبدالله فرزند عیسی فرزند محمد صالح اصفهانی جیرانی افندی (۱۰۶۶ - ۱۱۳۰ ق / ۱۶۵۶ - ۱۷۱۸ م) کتاب‌شناس و دانش‌پژوه پُر سفر برای یافتن کتاب‌های گوناگون بود.

^۳ الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۳، ۱۰۴؛ ج ۱۱، ۳۱۴ و ۳۱۹.

کتاب‌نامه

نمایه کتاب و مقاله

- إخبار العلماء بأخبار الحكماء، ابن قفطی، جمال‌الدین ابوالحسن علی فرزند قاضی اشرف یوسف شیبانی (۵۷۷ - ۶۴۶ ق / ۱۱۶۷ - ۱۲۴۸ م)، چ. لپرت، لایپزیگ، ۱۹۰۳ م؛ دیگر: چاپ مصر، ۱۳۲۶ ق؛ تاریخ الحكماء، برگردان پارسی اخبار العلماء، از ناشناسی در سال ۱۰۹۹ ق به دستور شاه سلیمان صفوی، تصحیح بهین دارایی، تهران، ۱۳۴۷ خ.
- الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد فرزند حسن طوسی (د: ۴۶۰ ق / ۱۰۶۸ م)، تحقیق و تصحیح حسن موسوی خراسان، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ ق، جزو چهار اصل شیعه به شمار می‌آیند. جشن هزاره او در سال ۱۳۴۸ خ.
- الأشعْثِيَّاتِ يَا الْجَعْفَرِيَّاتِ، إِبْنُ أَشْعَثَ، ابوعلى، محمد بن محمد بن اشعث كوفي (ز: ۳۱۴ ق)، همراه با قرب الاسناد، چ. مكتبة نينوى الحديثة، تهران، ۱۳۷۰ ق / ۱۹۵۱ م.
- التبيان في تفسير القرآن، شيخ الطائفه طوسي ابوجعفر محمد فرزند حسن (۳۸۵ - ۴۶۰ ق / ۹۹۵ - ۱۰۶۸ م)، به كوشش على آقا شيرازى و عبدالرسول روغنى زاده اصفهانى، چاپ سنگى، ۱۳۶۵ ق؛ ديگر: چ. نجف ۱۹۵۸ م؛ تصحيح احمد شوقى و احمد حبيب قصير، مقدمه آقاي بزرگ تهرانى (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، داراحياء التراث العربى، قم، ۱۴۰۹ ق.
- تَهْذِيبُ الْأَحْكَامِ، شيخ الطائفه، ابوجعفر محمد فرزند حسن طوسی (د: ۴۶۰ ق / ۱۰۶۸ م)، تصحیح احمد شیرازی و باقر قوچانی، تهران، ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ خ؛ تصحیح حسن موسوی خراسان، نجف، ۱۳۷۸ - ۱۳۸۲ ق؛ و تهران، ۱۳۶۲ خ؛ تصحیح محمدجعفر شمس‌الدین، بیروت؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری، اسلامیه، تهران.
- الجعفریات ابن طاوس نک: محدث نوری، مستدرک الوسائل و الذریعة، ج ۵، ۱۱۱، شماره ۴۳۶.

الجَعْفَرِيَّاتِ يَا الْأَشْعَثِيَّاتِ، إِبْنُ أَشْعَثَ، ابوعلى، محمد بن محمد بن اشعث كوفي (ز: ۳۱۴ق)، همراه با قرب الاسناد، چ. تهران، ۱۳۷۰ق/۱۹۵۱م.

الجعفریات، اسماعیل فرزند امام کاظم (ع) نک: الذریعة، ج ۵، ۱۱۱، شماره ۴۳۶
الجعفریات، قاضی ابوالمحاسن رویانی، عبدالواحد فرزند اسماعیل فرزند احمد فرزند محمد (۴۱۵ - ۵۰۲ق) نک: الذریعة، ج ۵، ۱۱۱، شماره ۴۳۶.

حياة الشيخ الطوسي، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۵خ)، نجف ۱۹۵۸م و تهران، ۱۳۴۸خ.
خاندان نوبختی، عباس اقبال آشتیانی، تهران، چاپ اقبال، تهران، ۱۳۱۱خ؛ چاپ دیگر: انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۵۷خ.

خاندان‌های بزرگ ایران ساسانی در سده‌های آغازین پیروزی عرب، علی نقی منزوی، ارج‌نامه ایرج، به خواستاری محمدتقی دانش‌پژوه و عباس زریاب خوبی، به کوشش محسن باقرزاده، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۷خ، ج ۲، برگه ۷۴۳ - ۷۵۴.
الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثالث، البائيه الحميريہ - التحية المبارکة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مطبعة الغری، نجف، عراق، ۱۳۱۷خ / ۱۳۵۷ق / ۱۹۳۸م.

الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثاني، الأسارى و الغلول - ايوان مدائن، آقابزرگ تهرانی، مطبعة الغری، نجف، عراق، ۱۳۱۵خ / ۱۳۵۵ق / ۱۹۳۶م.

الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الحادي عشر، رساله آب حیات - الزائريه، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۳۵خ / ۱۳۷۶ق / ۱۹۵۶م.

الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس، ثابت‌نامه - چینی سازی، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه بانک ملی ایران، تهران، ۱۳۲۳خ / ۱۳۶۳ق / ۱۹۴۴م.

الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس عشر، صابون - عیون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳خ / ۱۳۸۴ق / ۱۹۶۵م.

الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء العشرون، المجتبی - المسبل، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۹ خ / ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰ م.

رجال، حسن حلی، تهران، ۱۳۴۲ خ.

رجال، احمد نجاشی، مکتبة الداوری، قم.

رسالة غيبة الحجة، رسائل المرتضی، چ. رجایی، ۱۴۰۵ ق.

رسائل الشریف المرتضی، ابوالقاسم علی بن حسین موسوی بغدادی، معروف به شریف مرتضی علم الهدی (۳۵۵ - ۴۳۶ ق) در علم اصول است. حامد واعظی و احمد اشکوری حسینی، سه جلد، ۱۴۰۵؛ جلد چهارم ۱۴۱۰ ق، چاپخانه سیدالشهداء و خیام، قم.

رسائل الشریف المرتضی، سید مرتضی علم الهدی، تحقیق سید مهدی رجایی، دارالقران الکریم، قم، ۱۴۰۵ ق.

رواية الأبناء عن الآباء من آل رسول الله (ص)، ابن أشعث، ابوعلی، محمد بن محمد بن اشعث کوفی (ز: ۳۱۴ ق)، الذریعة، ج ۱۱، ۲۵۸، شماره ۱۵۷۶.

روضات الجنات، محمدباقر خوانساری، بیروت، دارالکتاب العربی.

ریاضُ العُلَماء و حِیاضُ الفُضلاء، عبدالله فرزند عیسی فرزند محمد صالح اصفهانی جیرانی (۱۰۶۶ - ۱۱۳۰ ق)، ذکاوتی قراگوزلو، نشر دانش، تهران، ۱۳۶۳ خ؛ به کوشش محمود مرعشی و احمد اشکوری حسینی، قم، ۱۴۰۱ ق.

السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (نگارش: ۵۸۸ ق / ۱۱۹۲ م)، ابن ادیس، محمد فرزند منصور فرزند احمد فرزند ادیس حلی عجلی (۵۴۳ - ۵۹۸ ق)، چاپ سنگی، تهران، ۱۲۷۰ ق، برگه ۱۹۷، س ۲۳؛ دیگر: ناشر: تصحیح مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفه، لجنة التحقیق مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق، ۶۵۹ برگه.

السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (نگارش: ۵۸۸ ق / ۱۱۹۲ م)، ابن ادیس، محمد فرزند منصور فرزند احمد فرزند ادیس حلی عجلی (۵۴۳ - ۵۹۸ ق)، چاپ سنگی، تهران، ۱۲۷۰ ق، برگه ۱۹۷، س ۲۳؛ دیگر: ناشر: تصحیح مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفه، لجنة التحقیق مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، قم، چاپ دوم،

فهرست طوسی، شیخ الطائفة حسن فرزند محمد طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ق)، اسپرنگر *A. Sprenger*، التبرولی، مولوی عبدالحق، مولوی غلام قادر، کلکته، نخستین بار ۱۲۷۱ق / ۱۸۵۳م. در ۳۸۳ برگه همراه با ۴ برگه مقدمه به زبان انگلیسی؛ دیگر: تصحیح محمدصادق بحرالعلوم، نجف به سال ۱۹۳۷م؛ بحرالعلوم، نجف، ۱۹۶۰م؛ محمود رامیار، هزاره شیخ طوسی، دانشگاه مشهد، افست اسپرنگر، ۱۳۵۱خ، ۱۵۶ برگه + ۱۵ برگه پیش‌گفتار.

قرآن کریم، سوره شماره ۳، آل عمران، آیه ۱۵۹.

قرآن کریم، سوره شماره ۴۲، شوری، آیه ۳۸.

قرآن کریم، سوره شماره ۴، نساء، آیه ۵۹.

قُوبُ الإسناد، عبدالله بن جعفر حمیری قمی (ز: ۳۰۴ق) شاگرد امام یازدهم، کتاب‌فروشی نینوا در تهران، سه جلد؛ دیگر: مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث، قم، ۱۳۷۱خ / ۱۴۱۳ق.

قُوبُ الإسناد، عبدالله بن جعفر حمیری قمی (ز: ۳۰۴ق) شاگرد امام یازدهم، کتاب‌فروشی نینوا در تهران، سه جلد؛ دیگر: مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث، قم، ۱۳۷۱خ / ۱۴۱۳ق، ۵۴۳ برگه.

کامل الزیارات، جعفر ابن قولویه، به کوشش عبدالحسین امینی، نجف، ۱۳۵۶ق.

کتاب تنبیه‌الامة و تنزیه‌المله، میرزا حسین نائینی، شیخ‌الاسلام (۱۲۷۶ - ۱۳۵۵ق)، تصحیح محمود طالقانی، تهران ۱۳۳۴خ.

لسان‌المیزان، احمد ابن حجر عسقلانی، حیدرآباد، ۱۳۳۱ق.

مجله کاوه، مونیخ، شماره پنجم (چهل و چهارم ۴۴)، سال دهم، آذرماه ۱۳۵۱، شوال ۱۳۹۲، نوامبر ۱۹۷۲، برگه‌های ۴۴۰ - ۴۴۶، قانون‌نامه آبگار، کهن‌ترین قانون کیفر ایرانی، دکتر علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ).

مجموعه قرب‌الاسناد، چاپ سنگی تهران ۱۲۷۱ق. اشعثیات، جعفریات، ابن‌اشعث، ابوعلی، محمد بن محمد بن اشعث کوفی (ز: ۳۱۴ق)، همراه با قرب‌الاسناد، چ. تهران، ۱۳۷۰ق / ۱۹۵۱م.

مسألة في الولاية من قبل السلطان الجائر و الظالم (نگارش: ۴۱۵)، سید شریف مرتضی علم‌الهدی (د: ۴۳۶ق)، الذریعة، ج ۲۰، ۳۹۸، شماره ۳۶۵۶.

دین و سیاست در مذهب شیعه

۲۱

مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ وَ مُسْتَنْبَطُ الْمَسَائِلِ، محدث نوری، میرزا حسین (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ق)، نجف ۱۳۱۹ق و ۱۳۲۱ق؛ دیگر: موسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، قم.

المكاسب، شیخ مرتضی انصاری شوشتری (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ق)، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۰۰ق؛ دیگر: تصحیح محمد حسینی لواسانی، تبریز ۱۳۷۴ق؛ کتاب المكاسب، مرتضی الأنصاری؛ تحقیق و تعلیق محمد کلانتر، جامعة النجف الدينية، نجف، ۱۳۹۳ق، ۹ جلد وزیري.

میزان الاعتدال، شمس‌الدین محمد ذهبی، به کوشش علی محمد بجاوی، بیروت، ۱۳۸۲ق، ۲۷/۴-۲۸.

النوادر، ابو الرضا ضياء الدين فضل الله فرزند علی فرزند عبیدالله حسینی راوندی (۴۸۳ - ۵۷۱ق)، مؤسسه دارالحدیث، قم، ۱۳۷۷خ.

دکتر علی نقی
نیمزوی